



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب اللقطه

درس ۹

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

در این درس در ادامه مباحث گذشته ادله سایر احکام مربوط به ضاله بیان می گردد و سپس به مباحث مربوط به مجهول المالک می پردازیم. بحث مجهول المالک اگرچه در نگاه اول دارای شباهتی ظاهری با بحث لقطه می باشد، اما بین آن دو تفاوتی وجود دارد که با مراجعه به تعریف فقها می توان به آن پی برد؛ از این رو مجهول المالک، احکام خاص خود را دارد و نمی توان تمام احکام لقطه را در آن جاری کرد. با توجه به این نکته، نوشتار حاضر در ادامه بحثهای لقطه به تبیین مباحث مجهول المالک و احکام آن می پردازد.

۵- و اما أن الحيوان إذا كان لا يقدر على حفظ نفسه فلا يجب أخذه.

فلان الحفاظ على مال الغير لا دليل على وجوبه.

و اما جواز أخذه - بالرغم من اقتضاء القاعدة عدم جوازه - فلصحيحة معاوية المتقدمة. و موردها و ان كان خاصا بالشاة الا ان المستفاد من الجواب التعميم لغيرها.

و اما لزوم تعريفه فلانه مقدمة للإيصال الى المالك المفروض وجوبه . هذا مضافا الى دلالة صحيحة على بن جعفر - المتقدمة في احكام اللقطة الرقم ۳- على ذلك. و هي كما تدل على لزوم التعريف تدل أيضا على جواز الانتفاع مع الضمان.

۶- و اما انه لا يجوز اخذ الحيوان الضائع في الامكنة العامة.

فهو مقتضى قاعدة عدم جواز التصرف في مال الغير من دون احرار طيب نفسه.

و اما انه يضمن مع الاخذ و يلزم تعريفه و يبقى الضمان الى ان يؤدي الى المالك و مع اليأس عنه يتصدق به فقد اتضح مما تقدم.

۵. من احكام مجهول المالك

عنوان اللقطة لا يرادف عنوان مجهول المالك و حكم اللقطة ما تقدم، في حين ان حكم المال المجهول مالكة هو الفحص عنه الى حد اليأس - من دون تقييد بحد سنة - فان تحقق تصديق به. و إذا كان المالك معلوما و تعذر الوصول اليه و كسب الاجازة منه في تحديد كيفية التصرف فحكمه حكم المال المجهول مالكة.

و عليه فمن أخذ قلما او مسبحة او غير ذلك من الغير لقضاء حاجة فعلية له و لم يعرف ممن اخذ ذلك او كان يعرفه و لكن لا يعرف خبره فحكمه حكم مجهول المالك دون اللقطة.

و هكذا الحال في من اودع بعض اثاث بيته في دار شخص و سافر من دون ان يعرف خبره فانه يلزم تطبيق حكم مجهول المالك عليه دون اللقطة.

و هكذا الحال في سائر الأمثلة التي لا يكون فيها عنوان الضياع متحققا.

## ادله استدلال بر احکام ضاله

### حیوانی که قادر به حفظ خود نمی‌باشد

قبلاً گفتیم که اگر حیوان قدرت حفظ خود را نداشته باشد، گرفتن او واجب نیست، هر چند در بیابان باشد. علت آن این است که دلیلی بر وجوب حفظ مال مسلمان توسط دیگران وجود ندارد. اما گرفتن آن جائز است - با این که بر خلاف قاعده مستفاد از لایحل دم امری مسلم... است - و دلیل این جواز هم صحیحه معاویه بن عمار<sup>۱</sup> می‌باشد.

در این صحیحه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: گوسفند گم شده برای تو یا برادرت و یا برای گرگ است. از تعبیر «هی لک؛ آن برای توست» استفاده می‌شود که برداشتن حیوان گمشده جائز است؛ چون اگر جائز نبود (هی لک) معنی نداشت.

نکته‌ای که باید توجه داشت این است که این روایت گرچه در پاسخ به سؤال از حکم گوسفند صادر شده، اما حکم سایر حیوانات هم که قادر بر حفظ خود نیستند از آن استفاده می‌شود؛ زیرا از این روایت ملاک کلی عدم قدرت بر حفظ خود استفاده می‌شود و حکم مذکور به همه حیواناتی که قدرت بر حفظ خود ندارند تعمیم پیدا می‌کند.

اما لزوم تعریف، همانگونه که قبلاً مطرح گردید، از این جهت است که رساندن مال به صاحب آن واجب بوده و تعریف هم مقدمه آن است؛ بنابراین تعریف مال لازم است.

دلیل دیگر بر لزوم تعریف، روایت علی بن جعفر است که در آن روایت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) درباره کسی که گوسفندی در صحرا یافته می‌فرماید: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:... آن را در جایی که پیدا کرده‌ای تعریف کن اگر صاحب آن را پیدا نکردی بخور ولی ضامن آن هستی که اگر صاحبش پیدا شد و پولش را خواست بدهی.»<sup>۲</sup> از این روایت شریفه علاوه بر وجوب تعریف نکته دیگری نیز فهمیده می‌شود و آن این که بعد از یأس از یافتن مالک و تصرف در آن، یابنده ضامن است؛ به طوری که اگر بعد از تصرف، مالک آن پیدا شد و به تصرف یابنده راضی نبود باید قیمت حیوان را به مالک بپردازد.

### حیوانی که در اماکن عامره یا شهر یا آبادی پیدا شود

مطلب بعدی این بود که چنانچه حیوانی در اماکن عامره، یعنی شهر و آبادی پیدا شد - که خطری از قبیل درندگان یا گرسنگی متوجه حیوان نبود - کسی حق برداشتن آن را ندارد. دلیل آن هم روشن است؛ زیرا مقتضای قاعده عدم جواز تصرف در مال دیگران است.

چنانچه حیوان در اماکن عامره گرفته شد یابنده ضامن است و باید آن را تعریف کند و این ضامن تا رساندن حیوان به مالک باقی است، چنانچه از پیدا کردن صاحب حیوان مأیوس شد باید آن را صدقه بدهد. استدلال بر این احکام از خلال بحثهای گذشته روشن می‌شود. به طوری که دلیل ضامن «قاعده ید» و دلیل لزوم تعریف، مقدمه بودن آن

<sup>۱</sup>. کنیه او ابوالقاسم است و نجاشی و دیگران او را توثیق کرده‌اند.

<sup>۲</sup>. وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب اللقطه، باب ۱۳، حدیث ۷.

برای رساندن حیوان به مالک است . همچنین دلیل باقی بودن ضمان تا رسیدن حیوان به مالک، همان قاعده ید و دلیل تصدق بعد از یأس نیز مجهول المالك بودن آن حیوان است.

### تطبیق

۵- و اما أن الحيوان إذا كان لا يقدر على حفظ نفسه فلا يجب أخذه فلان الحفاظ على مال الغير لا دليل على وجوبه و اما واجب نبودن گرفتن حیوانی که قدرت بر حفظ نفس ندارد به سبب این است که حفظ مال مردم بر دیگران واجب نیست؛ زیرا دلیلی بر این حکم وجود ندارد.

و اما جواز اخذه - بالرغم من اقتضاء القاعدة عدم جوازه - فلصحيحة معاوية المتقدمة. و موردها و ان كان خاصا بالشاة الا ان المستفاد من الجواب التعميم لغيرها.

علت جایز بودن اخذ چنین حیوانی - هر چند جواز اخذ، بر خلاف قاعده است - صحیححه معاویه بن عمار است که قبلاً گذشت، (هی لک، او لأخیک او للذئب). این روایت هر چند در مورد گوسفند رسیده است، اما از پاسخ معصوم (علیه السلام) عمومیت فهمیده می شود.

و اما لزوم تعریفه فلانه مقدمة للإیصال الى المالك المفروض وجوبه . هذا مضافا الى دلالة صحيحة علي بن جعفر - المتقدمة في احكام اللقطة الرقم ۳- علی ذلک، و هی کما تدل علی لزوم التعریف تدل أيضا علی جواز الانتفاع مع الضمان.

وجوب تعریف نسبت به چنین حیوانی به سبب مقدمه بودن این کار برای رساندن حیوان به صاحبش می باشد که وجوب آن مفروض است. علاوه بر این که صحیححه علی بن جعفر - که قبلاً گذشت - بر این حکم دلالت دارد. و این روایت همانطور که دلیل بر وجوب تعریف است بر جواز انتفاع از آن همراه با ضمان نیز دلالت دارد.

۶. و اما انه لا يجوز اخذ الحيوان الضائع في الامكنة العامة فهو مقتضى قاعدة عدم جواز التصرف في مال الغير من دون احرار طيب نفسه.

مقتضای قاعده عدم جواز تصرف در مال غیر بدون احرار طیب نفس و رضایت او، این است که حیوان ضاله را در مکان های آباد نمی توان گرفت.

و اما انه يضمن مع الاخذ و يلزم تعریفه و يبقى الضمان الى ان يؤدي الى المالك و مع اليأس عنه يتصدق به فقد اتضح مما تقدم.

اما دلیل ضامن بودن یابنده در صورت اخذ آن و وجوب تعریف ، و بقای ضمان تا آن را به مالکش برساند و لزوم صدقه دادن آن در صورت یأس از پیدا کردن صاحبش، از گفته های گذشته روشن است.

- حیوانی که قادر بر حفظ خود نیست
۱. اخذ آن واجب نیست ← دلیل ← دلیل بر وجوب حفظ مال غیر نداریم.
  ۲. اخذ آن جائز است ← دلیل ← صحیحہ معاویہ بن عمار و تعمیم آن به غیر مورد روایت
- حیوان ضائع در اماکن عامرہ
۱. اخذ آن جایز نیست ← دلیل ← قاعده عدم جواز تصرف در مال غیر
  ۲. ضمان دارد ← دلیل: قاعده ید.
  - تا یک سال باید تعریف شود ← دلیل: مقدمه واجب است
  ۲. در صورت اخذ ضمان تا رساندن به دست مالک باقی است ← دلیل: قاعده ید
  - در صورت یأس از یافتن مالک، باید صدقه داده شود ← دلیل: حکم مال مجهول المالک دارد.

Sco1: ۱۷:۱۲

## احکام مجهول المالک

مورد دیگری که به بحث درباره آن می پردازیم احکام مجهول المالک است.<sup>۱</sup> ابتدا به احکام کلی و سپس به مستندات و دلائل آن احکام اشاره می کنیم. همان طور که قبلاً نیز اشاره شد. عنوان لقطه با عنوان مجهول المالک فرق می کند و آنها با هم مترادف نیستند.

### نسبت بین لقطه و مجهول المالک

نسبت بین لقطه و مجهول المالک عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنی که هر لقطه ای مجهول المالک است، اما هر مجهول المالکی لقطه نیست و معنای مجهول المالک نسبت به لقطه عام و گسترده تر است همانطور که حیوان نسبت به انسان معنای عام و گسترده تری دارد.

همانگونه که لقطه و مجهول المالک از نظر معنی بلهیم فرق دارند از لحاظ احکام هم دارای تفاوت هستند:

**تفاوت اول؛** در حکم لقطه بیان گردید که اگر لقطه مال باشد باید آن را یکسال تعریف کرد و به صاحبش رساند، اما در مجهول المالک تا زمان یأس از یافتن مالک باید مالک را تفحص کرد؛ بنابراین قید یک سال در مجهول المالک وجود ندارد. ممکن است بعد از یک سال فحوص، یأس حاصل نشود و یا با چند روز فحوص یأس حاصل شود.

**تفاوت دوم؛** بر خلاف لقطه که یابنده بعد از یک سال بین سه امر مخیر است (تملک یا تصدق یا نگهداری به عنوان امانت)

در مجهول المالک تخییر وجود ندارد و باید صدقه داده شود.

<sup>۱</sup> . مال مجهول المالک، مالی است که قبلاً در ملکیت شخصی بوده و اکنون اعراض وی مسلم نیست یا عدم اعراض او محقق است . ولی به جهتی از جهات مالک شناخته شده نیست. لقطه نیز یکی از اقسام مجهول المالک است. (ر.ک: حقوق مدنی، طاهری، ج ۱، ص ۱۹۰)

نکته دیگر این که اگر مالک معلوم باشد اما دسترسی به آن امکان نداشته باشد و نتوان از او در کیفیت تصرف کسب اجازه کرد، آن مال حکم مجهول المالك را دارد؛ به عنوان مثال اگر شخصی لباس خود را برای خشک شویی آورد و دیگر به دنبال لباس خود نیامد، در اینجا مالک آن لباس معلوم است اما دسترسی به او امکان پذیر نیست و یا شخصی که خودکار یا تسبیح شخص دیگری را می گیرد اما نمی داند از چه کسی گرفته؛ یا می داند و از او خبر ندارد. همچنین شخصی که اثاث خانه اش را که در خانه شخص دیگر به امانت گذاشته و سپس به مسافرت می رود و صاحب خانه از او خبر ندارد. همه موارد ذکر شده حکم مجهول المالك را دارد نه لقطه. چنین مواردی که عنوان گمشده بر آن محقق نباشد حکم مجهول المالك را دارد.

## تطبیق

### ۵. من احكام مجهول المالك

بعضی از احكام مجهول المالك

عنوان اللقطة لا يرادف عنوان مجهول المالك و حكم اللقطة ما تقدم، في حين ان حكم المال المجهول مالكة هو الفحص عنه الى حدّ اليأس - من دون تقيد بمدّة سنة - فان تحقق تصدق به

عنوان لقطه مرادف با عنوان مجهول المالك نیست، حکم لقطه همان بود که گذشت، در صورتی که حکم مال مجهول المالك جستجوی مالک است تا وقتی که مایوس شود (مقید به یک سال نیست)، اگر از پیدا کردن مالکش مایوس شد باید آن را صدقه بدهد.

و إذا كان المالك معلوماً و تعذر الوصول اليه و كسب الاجازة منه في تحديد كيفية التصرف ، فحكمه حكم المال المجهول مالكة.

اگر مالک مال معلوم است، لیکن دسترسی به او و اجازه گرفتن در نحوه تصرف در مالش ناممکن باشد، حکم حکمش حکم مال مجهول المالك است.

و عليه فمن أخذ قلما او مسبحة او غير ذلك من الغير لقضاء حاجة فعلية له و لم يعرف ممن اخذ ذلك او كان يعرفه و لكن لا يعرف خبره فحكمه حكم مجهول المالك دون اللقطة.

بنابراین اگر از کسی قلمی یا تسبیحی و مانند آن را برای برطرف کردن حاجت و نیاز فعلی خود گرفت ولی نمی داند از چه کسی گرفته یا این که او را می شناسد لیکن جای او را نمی داند، آن مال حکم مجهول المالك را دارد نه حکم لقطه را،

و هكذا الحال في من اودع بعض اثاث بيته في دار شخص و سافر من دون ان يعرف خبره فانه يلزم تطبيق حكم مجهول المالك عليه دون اللقطة.

و همین طور اگر کسی بعضی از لوازم منزل خود را در منزل دیگری به امانت گذاشت و به مسافرت رفت و بعداً از او خبری نشد، لازم است احكام مجهول المالك بر مالش اجرا شود نه احكام لقطه.

و هكذا الحال في سائر الأمثلة التي لا يكون فيها عنوان الضياع متحققاً.

و همین طور است در مثال‌هایی که عنوان ضایع شده (گمشده) بر آن منطبق نیست.

مفهوماً: هر لقطه‌ای مجهول المالك است اما هر مجهول المالکی لقطه نیست.

با لقطه فرق دارد

لقطه باید تا یک سال تعریف شود اما مجهول المالك باید تا یأس از یافتن مالک فحوص شود.

حکماً

بعد از اتمام دوره تعریف، یابنده لقطه بین سه امر مخیر است، اما مجهول المالك فقط باید صدقه داده شود.

نکته: مالی که صاحبش معلوم، ولی دسترسی به او ناممکن باشد حکم مال مجهول المالك را دارد.

مجهول المالك

Sco۲: ۳۰: ۲۷



## چکیده

۱. گرفتن حیوانی که قادر به حفظ خود نباشد واجب نیست زیرا دلیلی بر وجوب حفظ مال غیر وجود ندارد.
۲. طبق صحیحہ معاویہ بن عمار گرفت حیوانی که قادر به حفظ خودش نیست جایز است؛ و اگر چه مورد آن گوسفند است، اما به غیر آن نیز تعمیم پیدا می کند.
۳. دلیل لزوم تعریف حیوان این است که تعریف مقدمه ایصال است که واجب است. همچنین صحیحہ علی بن جعفر بر آن دلالت دارد.
۴. صحیحہ علی بن جعفر علاوه بر لزوم تعریف، بر جواز انتفاع همراه با ضمان هم دلالت دارد.
۵. عدم جواز اخذ حیوان گمشده در اماکن عامره مقتضای قاعده عدم جواز تصرف در مال غیر است.
۶. عنوان لقطه با عنوان مجهول المالك مرادف نیست و بین آنها عموم و خصوص مطلق است.
۷. لقطه و مجهول المالك از جهت حکم دارای دو فرق هستند:
- الف) لقطه مقید به یک سال تعریف است اما مجهول المالك مقید به یأس از فحوص است.
- ب) یابنده لقطه بعد از یک سال مخیر بین سه امر است اما حکم مجهول المالك منحصرأ تصدق است.
۸. اگر مالک مالی معلوم باشد، اما دسترسی به او ممکن نباشد حکم مجهول المالك را دارد.